

علی مجتهدزاده حقوقدان در گفت‌وگو با هم‌میهن:

قانون اساسی بارویکرد امنیتی در حال اجراست

علی مجتهدزاده، حقوقدان معتقد است: فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی تا به امروز معیار نبوده و از این پس نیز نخواهد بود. در سالگرد صدور این فرمان گفت‌وگویی با مجتهدزاده داشتیم که در ادامه می‌آید:

«در فرمان ۸ ماده‌ای امام دقت درباره مصادره اموال می‌بینیم اما به تازگی قانون تشدید مجازات جاسوسی درباره مصادره اموال موارد مختلفی را اعلام کرده است. قانونگذاران ما چقدر در راستای توجه به چنین اسنادی عمل می‌کنند؟

ابتدا باید بگویم که ما به عنوان جمعی از حقوق‌دان‌ها نامه‌ای را امضا کردیم و اعتراض خودمان را اعلام کردیم. اما در مورد مسئله مصادره اموال باید بگویم در ابتدای انقلاب نیز مصادره‌هایی که انجام می‌گرفت ابعاد گسترده‌ای داشت، اما حداقل در گفتار حرمتی برای این مسئله قائل بودند. این چیزی که اکنون با تصویب موضوع مصوبه جاسوسی رخ داده است، بعد از جنگ دوازده روزه تازه متوجه شدند که خلأهای امنیتی ما خیلی بیشتر از چیزی بود که تصور می‌کردند و درصدد جبران آن برآمدند. اما با این قوانین نمی‌شود کار کرد چراکه بسیار عجیب و غریب اجازه تضییع حقوق مردم را به ظن جاسوسی و گمان اینکه کسی همدست سرویس‌های بیگانه است، می‌دهد. در این قانون مطالب دیگری نیز پیش‌بینی شده است که ما واقعاً مصداق جاسوسی و همکاری با دول متخاصم نمی‌بینیم، اما شرایط کشور امنیتی و شبه‌جنگی است و حرف‌های ما نیز چندان شنیده نمی‌شود و هر صدایی را با عنوان شرایط جنگی توجیه می‌کنند و کار خود را پیش می‌برند.

«از منظر حقوق عمومی، قانون جدید تشدید مجازات جاسوسی با روح حاکم بر فرمان ۸ ماده‌ای امام چه نسبتی دارد؟

نم‌تنبها با آن فرمان نسبتی ندارد، بلکه با حفظ حقوق آزادی‌های مشروع افراد، حقوق شهروندی، قانون اساسی و اصل برائت و بسیاری از مسائل دیگر نیز نسبتی ندارد. این طرح اساساً اصول قانونی نیز همخوانی ندارد.

«مرز بین پیشگیری امنیتی و حقوق شهروندی در دو مورد فرمان امام و مجلس دیده شده است؟

ابتدا باید بگویم قانون اساسی کشور ما با رویکرد حقوق ملت نگاشته شده است، اما متأسفانه با رویکرد امنیتی در حال اجرا است. ما در کشور مشکل قانون نداریم و قوانین بسیار مترقی داریم، مشکل این است که قوانین همواره به صورت مشروط، ملحق و قابل تفسیر توسط نهادهای حاکمیتی نگاشته شده است و متأسفانه در نحوه اجرا نیز این قوانین با نگاه امنیتی اجرا می‌شوند و نه با نگاه حفظ حقوق. این مطلبی که به آن اشاره دارید ناشی از همین موضوع است. در واقع تفسیری که دارند به اعتقاد ما بر خلاف قانون اساسی است اما متأسفانه قانون اساسی ما با این نگاه است که اجرا می‌شود و نه با نگاه حفظ حقوق عامه.

«برخی تفسیر می‌کنند در قانون جدید این شیوه مصادره اموال به معنای مصادره تمام دارایی خانواده است. نظرتان در این باره چیست؟

مصادره اموالی که از راه جاسوسی به دست آمده است باید مدنظر قرار گیرد. اگر یک نفر سال‌ها کارمند دولت بوده و به فرض اینکه مالی را به صرف اثبات جاسوسی بخواهند ضبط کنند، چرا اموالی که برای خانواده فرد است باید سلب مالکیت شوند؟ اموالی که ناشی از جاسوسی باشند منطبق بر قانون و حق است، اما اموالی که در پی سال‌ها کار به دست آمده چرا باید مصادره شود؟ این بر خلاف حق است.

«آیا فرمان ۸ ماده‌ای امام همچنان می‌تواند به عنوان معیار تفسیر قضایی استفاده شود؟

خیر.. نه تا به امروز معیار بوده است و نه از امروز به بعد هم اجرا خواهد شد. اصلاً چرا به این فرمان استناد کنیم؟ به قانون اساسی استناد کنیم؟ قانونی که اصل دادرسی عادلانه دارد، اصل حق ملت را برشمرده است و مترقی است، اما زمینه‌های لازم برای ضمانت اجرا ندارد. برای مثال اگر همین قانون اساسی ما ابزار ضمانت اجرا داشت، از نظر من به هیچ عنوان به مشکل نمی‌خوردیم، اما همین نبود ضمانت اجرا ما را امروز به اینجا رسانده است.

«شورای نگهبان هم این قانون را تأیید کرده است، آیا امکان آن وجود

دارد که دولت آن را اجرا نکند؛ مانند قانون عفاف و حجاب؟

دولت این اختیار را ندارد که اجرا نکند و قانون عفاف و حجاب را نیز شورای عالی امنیت ملی متوقف کرده است و تیم آقای پزشکیان توان این کار را ندارند. اما بعید می‌دانم که شورای عالی امنیت ملی چنین اقدامی کند چرا که همانگونه که شورا با نگاه امنیتی مانع اجرای قانون عفاف و حجاب شد، چون فکر کرد امنیت ملی در خطر است، در مورد این قانون نیز فکر می‌کنند با اجرا امنیت ملی را تقویت می‌کنند و لذا حتی یک درصد نیز احتمال نمی‌دهم که آن را اجرا نکنند.

قضایی، اموالشان ضبط یا توقیف گردد»، اینجاست که تفاوت بنیادین میان منطق «فرمان ۸ ماده‌ای امام» و برخی قرائت‌های توسعه‌ی از قوانین کیفری آشکار می‌شود. فرمان امام به‌صراحت هرگونه تفتیش، ورود به منزل و ضبط اموال بدون حکم قضایی را حرام می‌داند. قانون اساسی نیز در اصل ۲۲ اموال اشخاص را غیرقابل تعرض می‌داند مگر به حکم قانون. اصول ۴۶ و ۴۷ نیز اموال و ثروت‌های مشروع را محترم می‌شمارند. در قوانین جزایی نیز، ضبط اموال به عنوان مجازات تکمیلی یا به عنوان ابزار جرم یا عین تحصیل شده از جرم، منوط به رسیدگی قضایی و اثبات در دادگاه صالح است. بنابراین، رویه‌های فراقضایی یا اقدامات خودسرانه در توقیف و مصادره اموال متهمان، ن‌تنها با اصول دادرسی منصفانه، بلکه با فرمان بالادستی امام خمینی (ره) و قواعد فقهی حاکم در تعارض آشکار قرار دارد.

«آغاز و انجام» این بحث به این نقطه ختم می‌شود که «امنیت واقعی و پایدار» زمانی تحقق می‌یابد که خودفرآیند بر خود با تهدیدات نیز «مقید و محصور به قانون» باشد. فرمان ۸ ماده‌ای، نه‌بمظنر تضعیف اقتدار نظام در بر خود با جرائم، که برای تضمین عدم خدشه‌دار شدن عدالت و حقوق مردم صادر شد. از این منظر، حتی در سخت‌ترین شرایط و در قبال شدیدترین اتهامات، رعایت تشریفات قانونی و احترام به حقوق شهروندی متهمان - تا زمان اثبات جرم - ضامن مشروعیت و مقبولیت اقدامات حکومت و مانع از تبدیل دستگاه قضایی و امنیتی به ابزاری خودسرانه است. به بیان دیگر، تدبیر حکیمانه امام خمینی(ره) در این فرمان، یادآور می‌کند که هیچ تهدید امنیتی نباید مجوز نقض کرامت ذاتی انسان و اموال مشروع وی، آن هم بدون طی مسیر قانون، قرار گیرد.

کامبیز نوروزی حقوقدان در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به فرمان ۸ ماده امام به نقد قوانین جدید در کشور مانند «قانون تشدید مجازات جاسوسی» معتقد است، بیش از آنکه ناشی از خلأ قانونی باشد، نتیجه درک نادرست نمایندگان مجلس از مفهوم پیچیده جاسوسی است؛ مفهومی که به گفته او نه با قانون گذاری شتاب‌زده، بلکه با اجرای دقیق قوانین موجود و اتکاء به نهادهای تخصصی امنیتی قابل مدیریت است.

«در سالگرد صدور فرمان ۸ ماده‌ای امام یکبار دیگر شباهت‌های آن فرمان و قانون مجازات جاسوسی در ماذن مقایسه قرار گرفتند. آیا این فرمان برای آنچه که حاکمیت این روزها نگران آن است و به سمت تصویب این قانون رفت، کافی نبود؟

فرمان ۸ ماده‌ای امام در شرایطی صادر شد که رفتارهای غیرقانونی و حمله به حقوق مردم، اعم از حقوق مادی و معنوی مردم او ج گرفته بود و به بهانه‌های مختلف و با سوءاستفاده از مفهوم انقلاب، افراد سودجو، فرصت‌طلب و ناآگاه نظم جامعه را به هم می‌ریختند. برای مثال هرطور که می‌خواستند وارد خانه مردم می‌شدند و هرچه مدنظرشان بود را به عنوان مدرک جرم می‌گرفتند و هرکسی را می‌خواستند به اسم ضدانقلاب معرفی می‌کردند و به بهانه‌های مختلف جامعه را دستخوش خطاهای خود کرده بودند اما بعدها از یک مدت کوتاهی به بعد آرام آرام این فرمان ۸ ماده‌ای نیز فراموش شد و مجدداً برخی دستگاه‌ها، همان رفتارهای غیرقانونی را در پیش گرفتند. اگر فرمان ۸ ماده‌ای را به عنوان حکم ولی فقیه بپذیریم، از همه جهت لازم‌الانباتع است و شورای نگهبان که معمولاً در نگاه به حقوق اساسی ملت مسامحه می‌کند و حقوق اساسی مردم را ناچیز می‌شمارد، باید این فرمان ۸ ماده‌ای را عیناً رعایت کند. اما اگر بگویم حکم ولی فقیه است، بلکه یک دیدگاه ارشادی است، یکی فقیه در چه اول که رهبر انقلاب نیز بوده است، در زمینه بسیار مهم حقوق اساسی ملت، نکاتی را مطرح کرده است. اگر آن را ارشادی هم در نظر بگیریم، انواع و اقسام دستگاه‌های کشور در شورای نگهبان و سازمان‌های خاص باید به آن توجه کنند و آن را رعایت کنند. اما نمتنها در قانون مبارزه با جاسوسی که در خیلی از قوانین به این مسئله توجه نمی‌شود و زمانی که برخی اشخاص از جمله فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه‌نگاران تحت تعقیب قرار می‌گیرند، توجهی به این فرمان نمی‌شود. البته که این فرمان شرح و بیان بسیار صریحی از مفاد قانون اساسی نیز هست، اما با توجه به اینکه سال‌هاست بخش‌های مهم مربوط به حقوق ملت در دستگاه‌های مختلف نظام سیاسی نقض می‌شود و به آن عمل نمی‌شود، آن فرمان نیز به فراموشی سپرده می‌شود.

«اینکه بعد از جنگ دوازده روزه مجلس یک طرح دیگر را به تصویب رسانده است، در صورتی که فرمان دیگری نیز از قبل وجود داشته، چرا مجدداً چنین مسئله‌ای مطرح شد؟ آیا شرایط مشابهی با آن دوران تجربه شد؟

نمایندگان مجلس متأسفانه سطح قانون گذاری را پایین آوردند و معمولاً هم موضوع را اشتباه متوجه می‌شوند. در ماجرای جنگ دوازده‌روزه مشکل ایران که حتی از سوی مقامات رسمی نیز اعلام شد، مأموران و مزدوران اسرائیل بودند که در ایران فعالیت داشتند و این به دلیل مشکل قانون نبود، بلکه ضعف مفرط دستگاه‌های امنیتی کشور بود. سازمان‌های امنیتی که یک روزنامه‌نگار و یا یک فعال مدنی را به دلیل چند حرف و سخنرانی تحت تعقیب قرار می‌دهند اما اینگونه مزدوران دشمن در کشور مانور می‌دادند و آزادانه هر کاری می‌کردند، در این ماجرا سرداران بزرگ کشور و مردم عادی شهید شدند. نمایندگان مجلس متوجه نیستند که مشکل از قانون نیست، بلکه مشکل از اجرای قانون است. در ایران اصلاً نیازی به این قانون نبود، کما اینکه پر از ایراد حقوقی و اجرایی نیز هست. اما اینکه به گفته مقامات رسمی جاسوس‌های اسرائیلی در کشور بودند به دلیل ضعف قانون نبوده است. برخی مقامات حتی گفتند ترور شهید فخری‌زاده کار عوامل داخلی بوده است و اینها به قانون ربطی ندارد.

این شیوه قانون گذاری که معمولاً

طرح‌های نمایندگان از نظر

شناخت موضوع و اصول

حقوقی بسیار ضعیف

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۴

سال چهارم. شماره ۹۶۰

www.hammihanonline.ir

کامبیز نوروزی حقوقدان در گفت‌وگو با هم‌میهن:

فرمان ۸ ماده‌ای امام فراموش شد نه اینکه کارآمد نباشد

است، نظام حقوقی را دچار اختلال می‌کند.

«عملکرد قوه قضائیه در ادوار مختلف بر سر حقوق بشر و شهروندی و مبارزه با فرد جاسوس و کسی که از دیدگاه حاکمیت امنیت را به هم می‌زند چه تغییری کرده است که مجدداً چنین قانونی به تصویب رسیده است؟

البته در دوره‌ای که آقای اژه‌ای رئیس قوه شدند، به نظر می‌رسد این مسئله قدری بهبود یافته است، اما متأسفانه در بخش حقوق اساسی ملت و آزادی بیان و آزادی عقیده و آزادی فعالیت‌های سیاسی و مدنی، آزادی احزاب، آزادی تجمعات رعایت نمی‌شود و گاهی بر خوردهای تندى هم صورت می‌گیرد.

«در واقع می‌توان گفت تاوان مصوبه مجلس را که ناشی از ناآگاهی نمایندگان می‌دانید باید مردم بدهند، بدون اینکه در معرض قضاوت عادلانه قرار بگیرند، به دلیل کیفیت پایین مصوبه مجلس...

تقریباً همینطور است. ببینید، مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد. هم از لحاظ کمیت و هم از نظر کیفیت باید این تناسب در نظر گرفته شود. اساساً اینکه کسی جاسوسی می‌کند، مجازات مصادره اموال برایش بی‌معنا است. جهان جاسوسی جهان بسیار پیچیده‌ای است. در بسیاری از مواقع یک سیستم امنیتی می‌فهمد که کسی جاسوس است اما به دلایل عملیاتی او را بازداشت نمی‌کنند و تحت نظر قرار می‌دهند. ممکن است حتی این جاسوس را به سمت خودشان بکشند و جهان پیچیده‌ای مطرح است. اگر قرار باشد که قانون تازه‌ای برای مبارزه با جاسوسی نوشته شود، باید وزارت اطلاعات لایحه آن را بنویسد و ارائه دهد چراکه این وزارتخانه محل تخصصی این قبیل امور است. موضوع جاسوسی چیزی نیست که همه مردم چه نماینده و چه مردم عادی قواعد آن را بلد باشند و خیلی از موارد آن نیز لاجرم پنهان است و قابل آشکار شدن هم نیست. اگر کشور برای مثال از نظر قانونی در مسئله جاسوسی دچار ضعف است، باید لایحه آن توسط یک مرکز تخصصی نوشته شود که وزارت اطلاعات است و برای آن هم وقت مناسب گذاشته شود، نه اینکه مانند نمایندگان مجلس اینگونه شتابزده چیزی نوشته شود. این قوانین عملاً بلا اجرا می‌مانند و نظم جامعه را بیشتر به هم می‌زند.

«پس منظور شما این است که مجلس حتی مفهوم جاسوسی را هم درک نکرده است. اما شورای نگهبان نیز آن را تأیید کرد. این شورا ۶ حقوقدان دارد چرا در آنجا با آن مخالفت نشد؟

شورای نگهبان لایه ایراد قانون اساسی و یا ایراد شرعی در این قانون ندیده است که آن را تصویب کرده است. البته واقعیت این است که در شورای نگهبان سال‌های طولانی است که مسائل حقوقی و حتی شرعی تحت تأثیر سیاست قرار گرفته است. سیاست نیز همیشه به تفکرهای خالص حقوقی و فقهی آسیب زده است.

«در فرمان ۸ ماده‌ای امام چه تصویری از نسبت قدرت و مردم ارائه می‌شد که امروز کمتر دیده می‌شود و آیا آن تصویر و رویکرد در تمام این سال‌ها بازسازی نشد که به اینجا رسیدیم که گروهی از کسانی که در رأس سیاست هستند قانونی با این نواقص متعدد وضع می‌کنند؟

مسئله تنها بر سر قانون جدید مقابله با جاسوسی نیست، محور اساسی و اصلی فرمان ۸ ماده‌ای امام احترام به حقوق اساسی ملت و محدود ساختن قدرت در برابر حقوق اساسی ملت است. در واقع فلسفه بنیادی قانون اساسی نیز همین است. اما همانطور که قانون اساسی در کشور به راحتی نقض می‌شود، فرمان ۸ ماده‌ای نیز رعایت نمی‌شود. در هفته‌های اخیر شاهد بودیم که بعد از اینکه یکی از فضایی حوزه دیدگاهی را درباره بخشی از تاریخ اسلام و شیعه مطرح کرد، چقدر به اوفخاشی شد و هیچ کس چیزی نگفت. فشارهای وارده به مطبوعات و مسئله فیلترینگ را شاهد هستیم و در پرونده‌های سیاسی و مدنی اساساً به اشخاص حق دفاع داده نمی‌شود؛ دادگاه‌هایی تشکیل و بعد می‌گویند ده سال زندان. در واقع اساساً حقوق افراد ناچیز شده است. در ایران قانون عمیقاً قربانی قدرت است و همین مسئله باعث شده است که نظم حقوقی کشور به شدت دچار اختلال شده باشد به گونه‌ای که الآن می‌توان گفت کشور براساس اصول حقوقی اداره نمی‌شود

بلکه اداره کشور مبتنی بر قاعده زور و نه اصول حقوقی است.

مقالات



نیاز به بازنگری وجود دارد

بیژن عباسی، معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو با ایلنا درباره سازگار بودن روح قانون اساسی ایران با شرایط اجتماعی و سیاسی امروز گفت: «ما می‌توانیم بازنگری کنیم. در روابط میان مجلس و دولت می‌توانیم بازنگری کنیم و مقدار اختیارات و جایگاه دولت را ارتقا ببخشیم. به نظر من، در بحث حقوق ملت، ما می‌توانیم این حقوق را تقویت کنیم. بحث همه‌پرسی و مداخله بیشتر مردم در اداره امور کشور به نظر من نیاز به بازنگری دارد.» او در بخش دیگری درباره منشور حقوق شهروندی گفت: «من معتقدم منشور حقوق شهروندی که در سال ۱۳۹۵ تدوین شد، منشور بسیار خوبی است. این منشور مجموعه حقوق و آزادی‌هایی که در قانون اساسی، قوانین و مقررات و اسنادی که به آن پیوسته‌ایم را در یک‌جا تجمیع کرده است. این کار بسیار خوبی بود که در دولت آقای روحانی اجرایی شد و ما هم در این دولت به آن استناد می‌کنیم و در عمل اجرایی می‌کنیم. البته بعداً از این منشور به دیوان عدالت اداری شکایت شد که دیوان عدالت اداری این منشور را تأیید کرد و اعلام کرد که مطابق با قانون اساسی و شرع است و بنابراین قوه قضائیه هم آن را تأیید کرده است. در حال حاضر اقداماتی در این زمینه دارد صورت می‌گیرد تا یکبار دیگر اعلام علنی شود که این منشور حقوق شهروندی هم از برنامه‌های دولت کنونی نیز هست.» عباسی همچنین گفت: «وقتی از منشور حقوق شهروندی صحبت می‌کنیم، دو جزء دارد: یکی قوای عالییه کشور و دیگری حقوق شهروندی و حقوق ملت است و همان‌طور که درباره قانون اساسی باید آموزش داده شود، این آموزش باید در قالب‌های مختلفی مانند کتاب، مقاله، رسانه‌ها، صداوسیما، از طریق نشست‌های علمی و همایش‌ها انجام شود. تبلیغات محیطی هم باید به کار گرفته شود تا مردم با حقوق خود آشنا شوند.»



اصلاح قانون اساسی نقطه ضعف نیست

منصور حقیقت‌پور، نماینده اسبق مجلس در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره بازنگری در قانون اساسی گفت: «قانون اساسی وحی مُنزل نیست؛ نمایندگان‌مان در مجلس خبرگان اول آن را تصویب کردند که می‌تواند متناسب با شرایط اصلاح شود، متمم بخورد و تغییر پیدا کند؛ این هیچ مشکلی ندارد. اگر مقامات و مسئولان ما به این نتیجه برسند که مشکل قانونی یا تداخل داریم که باعث جلوگیری از پیشرفت در امور شده، اصلاح قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد. در صورتی که رهبر معظم انقلاب صلاح بداند، بازنگری در قانون اساسی شاید لازم باشد.» او ادامه داد: «نه فقط قانون اساسی، بلکه سایر قوانین ما هم می‌توانند تغییر کنند. مثلاً ما در قانون برای انتخاب وزیر اطلاعات قید گذاشته‌ایم که او فقیه باشد. اما سؤال من این است که چند درصد از ظرفیت فقا‌هت وزیر اطلاعات در امر مدیریت اطلاعات مؤثر است؟ آیا وقتی گفتیم وزیر اطلاعات باید فقیه باشد، دست خودمان را از انتخاب افراد حرفه‌ای نیسته‌ایم؟ چون فقیه دنبال فقه و احکام شرعی است، نه دنبال مسائل امنیتی و اطلاعاتی که بخواهد در این حوزه حرفه‌ای باشد. ما یک فقیه پاک و منزه را انتخاب می‌کنیم اما او بعداً در اجرا با مشکل مواجه می‌شود. یک راهکار این است که این قید را برداریم و بگویم وزیر اطلاعات می‌تواند از میان غیر فقیهان هم انتخاب شود؛ و نه‌این‌ا یک نماینده ولی فقیه بگذاریم که احکام شرعی مستحده در حوزه امنیت را پاسخگو باشد.» حقیقت‌پور افزود: «قوانین اساسی کشورها قوانین نسبتاً پایداری هستند. قانون ما نزدیک چهل و چند سال است تغییر پیدا نکرده. اگر مقام معظم رهبری احساس کنند و نظرشان باشد که اصلاحاتی صورت بگیرد، این اصلاحات می‌تواند انجام شود. هیچ نقطه‌ضعفی هم نیست، بلکه نقطه قوت است چرا که قانون به‌روز می‌شود.»